ماه رمضان هر سال هیئت عشاق الحسین حال و هوای دیگری دارد و خیابان‌های حوالی آن در خیابان صفا و شهدا و امام حسین(ع) مملو از جمعیت می‌شود. زیرا دوست دارند دعای افتتاح، اللهم رب شهر رمضان، دعای کمیل و مخصوصاً دعای ابوحمزه ثمالی را با نوای دلنشین و ملکوتی حاج علی قربانی، مشهور به حاج قربون استماع کنند. ایام ماه رمضان رفتیم تا هم نوای دلنشین او را بشنویم و هم گفت وگویی را انجام دهیم. حاج قربون را دیدم، همان کسی که به مناجات‌خوان بی‌ادعا، بی‌حاشیه اما با سواد معروف است. برخی به او می‌گویند شور حسین اما خودش متواضعانه می‌گوید نوکر حضرت سیدالشهداء(ع)! اعتقاد دارد در مناجات اگر روضه خوانده نشود حق آن دعا ادا نشده است. البته برخی هم حاج علی قربانی را در گردان میثم دیده‌اند و آن نوای معروف کجایید ای شهیدان خدایی برایشان تازگی دارد. در عرصه ذاکری و مدیحه و روضه استاد خاصی نداشته اما تاکید می‌کند که در محضر حاج منصور ارضی نه به صورت مستقیم ولیکن دورا دور درس‌های زیادی آموخته است. حاج قربون در این مصاحبه خطاب به مداحان توصیه‌ای هم داشت که علی‌رغم تسلط بر ادای سبک‌ها و آداب فنی روضه، ادب و مطالعه هم داشته باشند. در مورد هر مسئله‌ای که اطلاعات کافی ندارند اظهارنظر نکنند که هر چیزی در پشت تریبون هیئت بار سنگینی بر دوش مداح می‌گذارد. حقیقتاً یکی از شاخصه‌های اخلاقی حاج قربون بی‌ادعا نوکری کردن است؛ او دنبال سروصدا کردن نیست. هم نوحه و روضه‌اش زبانزد خاص و عام است و هم منبر علم و معرفتش. اما خودش متواضعانه می‌گوید اگر روحانی در هیئت ببیند با توجه به سواد بالای حوزوی درس خارج، حاضر است بنشیند و مستمعین از او بهره ببرند. حاج قربون روضه مستند و عالمانه می‌خواند و هرکس در هیئت عشاق الحسین(ع) میکروفون به دست می‌گیرد خیلی هراس دارد هر کلامی و هر سبکی را به کار نبرد. مشروح این گپ و گفت را بخوانید:

گفت و گو با حاج علی قربانی، مداح و مناجات‌خوان

زمزمه عشق در خط مقدم جبهه

مجتبی برزگر

***کمی از سابقه مداحی و مناجات‌خوانی خود در جبهه بفرمایید؟**

در گردان میثم و حبیب در لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) حضور داشتم. نه صرف تبلیغ بلکه در کارهای زرهی و رزمی فعال بودم. جوّ خاص جبهه و جنگ ما را خواه‌ناخواه به این وادی می‌کشاند. میکروفون را به دست می‌گرفتم و با زمزمه کجایید ای شهیدان خدایی، آن حس و حال نورانی و معنوی برایم تازگی پیدا می‌کرد.

*** از آنجا که مناجات و دعا عبادتی شخصی و خلوتی بین عبد و معبود است این مناجات‌خوانی جمعی چه تاثیری دارد؟**

دعا بیان راز و عرض نیاز است و دو بعد دارد؛ یکی عرض نیاز که هر چیزی که از خدا می‌خواهیم و یک بعد دیگر بیان راز است که بیشتر درباره اولیاء صادق است. چرا که ما فقیر به ذات هستیم و خدا هم غنی است به ذات. قطعاً این فقیر به ذات از غنی به ذات چیزی می‌خواهد، حتی لفظ آن را هم به زبان نیاورد. دعا باید از عمق وجود انسان مضطر و تنها برخیزد، آن هم با محتوای سوال و استغاثه، همراه با تضرع و اخلاص. تجربه نشان داده است که اگر این دعا محقق شود، مستجاب می‌شود؛ معنای استجابت آن است که خدا در درون آدمی و در جهان (به صورت انفسی و آفاقی) به تجربه دعا کننده در می‌آید.

*** چگونه باید به این نتیجه برسیم این بیان راز و عرض نیاز، دعاست یا مناجات؟**

این بحث‌ها تخصصی است و باید از دوستان دیگری درباره آن بپرسید. آنچه من شنیده‌ام، این است که در دعا بیشتر «اللهم» می‌گوییم. اللهم عبارتی است که به واسطه آن خدا را صدا می‌زنید؛ در حالی که در این بین واسطه‌ای هم وجود دارد. مثلاً در دعای ابوحمزه ثمالی، ابوحمزه این وسط مانع شده و امام (ع) نمی‌تواند حرف‌های درگوشی با خدا بزند؛ اما در مناجات «الهی» می‌گوییم. شما اگر مناجات «خمس‌عشره» را ببینید، در آن «الهی» وجود دارد. البته اللهم هم هست؛ اما بیشتر الهی است. همان‌طور که گفتم، این بحث تخصصی است و کار من نیست. باید از متخصصان این موضوع بپرسید. آنچه به دست ما رسیده، در قالب مفاتیح آمده است و در آن اشاره شده کدام دعا یا مناجات است.

*** برخی از مداحان مهارت‌های فنی، صدای زیبا و حنجره قوی دارند اما در مدح آنها خبری از سوز نیست. به نظرشما یک مداح چگونه سوز صدا پیدا می‌کند؟**

بسیار شخصی و اعتقادی است. یک مداح برای برخورداری از سوز صدا احتیاج به خلوت و مراقبت نفس و مطالعه و شب زنده‌داری دارد. هرکس برای رسیدن به این مقام باید مسیری سخت را طی کند و در رسیدن به اوج سعه صدر به خرج دهد.

*** چرا در ماه مبارک رمضان محافل مناجات و دعا رونق پیدا می‌کند؟**

از پیامبر اکرم (ص) نقل است: «ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات الا فتعرضوا لها»؛ «همانا! برای خداوند، در ساعات زندگی شما، نسیم‌های خوشی است. آگاه باشید خود را در آن لحظات قرار دهید.» زمان خیلی موثر است؛ مثلاً ماه رمضان بهار دعا و مناجات است. در این ایام و لیالی ما را دعوت کرده‌اند که در جمع محبان و عشاق قرار بگیریم. اما این جمع بودن‌ها به این معنی نیست که از بودن در خلوت محروم شویم. روح مجلس دعا و مناجات شلوغ است و شلوغی آن دو نفره است. یکی خداوند متعال و دیگری کسی که با خدا ارتباط برقرار می‌کند.به تعبیر بهتر در مجلس مناجات باید ما به او تبدیل شود. این حرف‌ها حرف‌های من نیست اساتید مناجات اشاره کرده‌اند و من نقل قول می‌کنم.

***چه تفاوتی بین یک مداح و روضه‌خوان با یک مناجات‌خوان وجود دارد؟**

مردم مناجات خوان را طور دیگری می‌بینند و از او توقع بیشتری دارند تا در فضای دینی و مناجاتی الگو باشد. در ترک محرمات و انجام ثواب و فرائض دینی از همه یک گام جلوتر باشد. اما در مقابل مداح اجتماع‌محورتر است و شاید از دید مردم مداح بیش از یک مناجات‌خوان طرفدار داشته باشد. به عبارت بهتر مناجات‌خوان مستمع خاص خودش را دارد.

*** مرز بین مناجات، دعا و روضه کجاست؟**

من فکر می‌کنم، اگر بخواهیم این موضوعات را مرزبندی کنیم باید تعریف هر یک از آنها مشخص شود. باید معلوم شود که دعاخوان کیست و مناجات‌خوان کیست؟ البته این مباحث تخصصی است و شاید دیگران خرده بگیرند کلام معصوم(ع) دسته‌بندی و طبقه‌بندی شده است! بالاتر از کلام امام با انسان عادی و صاحب سر، کلام امام(ع) به دعا می‌رسد. دعا آن کلامی است که امام(ع) در مقابل خدا به رشته تحریر درآورده است.اما در دعاها همیشه یک واسطه‌ای وجود دارد که اجازه نمی‌دهد امام(ع) حرف‌های نهایی خودش را با خدا بزند. همچنین بالاتر از دعا، مناجات است. مناجات همان مفهوم درگوشی صحبت کردن را می‌رساند. حقیقتاً بالاترین کلام امام(ع) در مقام انشاء مناجات است.

*** برخی از مناجات‌خوان‌ها معتقدند در بین مناجات و دعا نباید روضه خواند. نظر شما چیست؟**

برخلاف این عده اعتقاد دارم از دستگاه حضرت سیدالشهداء مستمع به معنای واقعی مناجات می‌رسد. اجحاف است بگوییم در مناجات به اهل بیت عصمت و طهارت متوسل نشویم. مثلاً در یکی از بندهای دعای عرفه که آمده: «یا رازِقَ الطِّفلِ الصَّغیرِ» ما را به یاد آن لحظه‌های تشنگی حضرت علی‌اصغر(ع) و مظلومیت حضرت اباعبدالله(ع) می‌اندازد که فضای مناجات را به سمت و سوی دیگری می‌برد.

***با توجه به شرایط روز جامعه و گستردگی فضای تبلیغی رسانه‌ای این مجالس تا چه اندازه می‌تواند موثر باشد؟**

تاثیرات آن را به چشم خودتان دیده‌اید.... این نشاط و فرحی که روزه‌داران در شب‌زنده‌داری دعا و مناجات از سوی خداوند متعال بدست می‌آورند انگیزه‌ای است برای روزه‌داری و تقرب نزد خداوند! واقعاً این مجالس فرصت مغتنمی است که مردم خاصه جوانان را برای مقابله با این تبلیغات و هجمه‌های سنگین دشمن که تلاش می‌کند انسجام خانواده را از بین ببرد و این مجالس و توسل به اهل بیت را از ما بگیرد.

*** شما فکر می‌کنید عرصه مناجات‌خوانی چقدر آموزش دادنی است و کسی که می‌خواهد وارد این فضا شود باید چه مشخصه‌هایی داشته باشد؟**

بسیاری اعتقاد دارند اگر در مناجات خوانی جز انشای امام خوانده شود، تاثیر دعا از بین می‌رود و یا در دعای کمیل وقتی به عبارت یارب یارب می‌رسند چند بار تکرار می‌کنند و بر این باورند که اتکا به این تکرارها و خواندن ابتدا تا انتهای دعا، اثر دعا را از بین می‌برد. این را گفتم که بسیاری در حین مجالس مناجات خوانی دغدغه‌های آموزشی دارند اما فکر می‌کنم خیلی مناجات‌خوانی ظرفیت آموزش را داشته باشد. به واقع مناجات کار دلی است و باید مداح مناجاتی بر ادبیات عرب و مکاتب دینی و روایی تسلط مناسبی داشته باشد.

*** شما در میان مداحان بیشتر به عنوان مناجات‌خوان مطرح هستید تا نوحه‌خوان؛ علت خاصی داشت که این شاخه از ذاکری را انتخاب کردید؟**

علتش شاید همان فضای جبهه بود؛ ما در جبهه هم مناجات می‌خواندیم خاصه مناجات شعبانیه! اصلاً فکر می‌کنم در کل ماه شعبان تنها جلسه‌ای که مناجات شعبانیه را مستمر می‌خواندند، ما بودیم. در مجموع علاقه خاصی به مناجات دارم.

*** این علاقه شما از بعد تاثیرگذاری است؟**

به نظرمن روضه و مناجات وجه تکامل دهنده دارند؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم مناجات از مداحی و روضه‌خوانی مستقل است. برخی اعتقاد دارند مناجات و مداحی باید از هم تفکیک شوند اما من قائل به این انفکاک نیستم و معتقدم در کنار هم تأثیرگذاری بیشتری دارد.البته در کنار استعداد و هنرمندی‌های لازم در بحث دعاخوانی و مناجات‌خوانی هم ظرافت‌هایی وجود دارد که باید رعایت شود.

*** در دیدار مقام معظم رهبری با مداحان بارها ایشان بر تعمیق معنویت هیئات مذهبی کشور بسیار تأکید کردند. البته در کنار آن برخی از مداحان هم اظهارنظرهایی کرده‌اند که امام حسین(ع) سیاسی است و باید مداح موضع‌گیری سیاسی داشته باشد... نظر شما چیست؟**

کسانی باید در این راستا پرچمدار عمق‌افزایی باشند که جامعه و شرایط روز را به خوبی بشناسند. چرا باید جناح‌بندی سیاسی در هیئت به اوج خودش برسد؟! درست است برخی می‌گویند امام حسین(ع) سیاسی است اما افراط و تفریط‌های سیاسی در مجالس مذهبی توسط مداحان نوعی سیاست‌زدگی ایجاد می‌کند. این خلط مبحث است که برخی فرمایشات حضرت آقا را درست متوجه نمی‌شوند و اجرا نمی‌کنند و بعدها متوجه می‌شوند که راه را اشتباه رفته‌اند. اعتقاد دارم مداحی که می‌خواهد در راستای مباحث و مسائل سیاسی قدم بردارند نیاز است مطالعه و آگاهی لازم را داشته باشد، بر فضای مجازی و سایبری مسلط باشد. وقتی جوان به مجلس ما می‌آید باید طوری با او برخورد کرد که از این مجلس زده نشود. همه چیز در گفتار نهفته است. مداح باید علی‌رغم همه دانایی‌ها، فن بیان، نوع برخورد و نوع گفتار مناسب و خوبی داشته باشد، تا جوان جذب شود. به واقع مرز میان جاذبه و دافعه به خوبی رعایت شود. چون باید این مجالس بنابر توصیه اهل بیت جاذبه‌اش بیش از دافعه‌اش باشد.

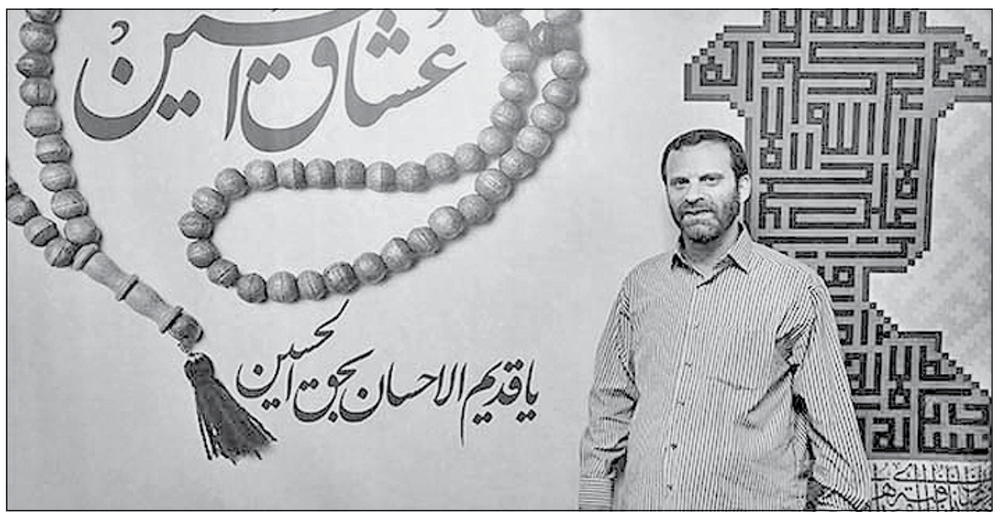

خاطره قاسم سلیمانی از شهید محمدرضا مرادی

شهیدی که به آرزویش رسید

چندی پیش، ویدئویی از حاج قاسم سلیمانی سردار دلیر و محبوب ایران اسلامی در اینترنت منتشر شد که در آن، خاطره‌ای از شهید محمدرضا مرادی، از شهدای نام‌آور و از فرماندهان دفاع مقدس نقل می‌شود که در عین زیبایی، بسیار حیرت‌انگیز است. متن صحبت‌های سرلشکر سلیمانی به این شرح است:

«در منطقه شیمیایی‌ای که زده شد در قبل از والفجر هشت، محمدرضای مرادی به شهادت رسید. برادر دوستش تشییع کرد، خودش رفت داخل قبر تلقین را انجام داد. آمد جبهه پیش من، نمی‌دانم آیا همه قلب‌ها این را باور می‌کند یا نه، گفت من وقتی رفتم داخل قبر خواستم سَرِ محمدرضا را بالا بگیرم این سنگ لحد را بگذارم زیر سَرِ او، دستم را دراز کردم دیدم او بلند شد سرش را بلند کرد. گفت منِ از خدا خواستم من مثل او تا سال او شهید بشوم همان طور شیمیایی شد و بعد هم به شهادت رسید.»

قافلهٔ شوق (۸)

در جبهه‌های میانی دفاع مقدس، قلاویزان اولین منطقه‌ای بود که صبح شنبه اول اسفند ۸۸ به آنجا رسیدیم. فرماندار و فرمانده مرزبانی مهران، هنوز همراه‌مان بودند. پیش از جنگ تحمیلی عراق، روستاها و مناطق مرزی زیادی در جنوب و غرب کشور بود که بسیاری از هم‌وطنان ایرانی، حتی اسم‌شان را هم نشنیده بودند.

قلاویزان از جملهٔ همین مناطق گمنام بود که جنگ، نامش را سر زبانها انداخت، و حماسه‌ها و مصائبش آن‌چنان مهم و بزرگ بود که شاعران و داستان‌نویسان و کارشناسان جنگ‌پژوه، درباره آن بسیار نوشته و برای آیندگان، ماندگار کرده‌اند.

قلاویزان، دشتِ منتهی به ارتفاعات نسبتا کوتاه، با تپه‌های شنی و سنگی و شیارهای پیچ در پیچی بود، که آدمهای ناآشنا به محیط را، برای یافتن راهی میان شیارها و خروج از آنجا به اشتباه می‌انداخت. مثل کلافی تو در تو که اگر جادهٔ باریک نظامی‌اش، از بین آن شیارهایِ پیچیده‌درهم نبود، آدم نابلد راهش را گم می‌کرد.

سردار نورالهی که بومی و خبرهٔ جنگ هشت ساله بود، در خصوص وضعیت طبیعی قلاویزان می‌گفت: «نیروهای رزمنده به کمک همین عوارض زمین، بعثی‌ها را در شب‌های حمله و موقعیت‌های پدافندی، غافلگیر می‌کردند».

بچه‌های لشکر ۲۵ کربلا به فرماندهی سردار مرتضی قربانی، در عملیات کربلای ۱ که دهم تیر ماه ۶۵ انجام شد، توانستند این منطقه را، پس از چند بار دست به دست شدن، برای آخرین بار از عراقی‌ها پس بگیرند. جایی که ما بودیم، مقر فرماندهی لشکر ۱۷ زرهی عراق در زمان جنگ بود. هنوز تعدادی از سنگرها و استحکامات دفاعی بعثی‌ها باقی مانده بود. از ورودمان بیشتر از یک ساعت می‌گذشت و افراد کاروان هنوز به تپه‌هایِ گُله به گلهٔ قلاویزان و شیارهای پیچ درپیچش خیره بودند. اما همین که راهنمای گروه، سنگر مستحکم و بظاهر غیرقابل نفوذِ فرماندهی لشکر ۱۷ عراقی‌ها را به ما نشان داد، نگاهها به آن سمت کشیده شد. وقتی به سنگر ژنرال بعثی پاگذاشتم، به یاد سنگرهای ساده و گاه نامطمئن نیروهای خودمان افتادم که با همان سنگرهای ساده و کمبود امکانات، چه بر سر فرمانده‌هان بعثی می‌آوردند. البته پیروزی ما در جنگ، به کمی و زیادی امکانات و تجهیزات‌مان متکی نبود. نصرت و ظفرمندی لشکریان اسلام، از ایمان رزمندگان و ایثار شهیدان و صد البته از امدادهای الهی بود...

منصور ایمانی

یک شهید، یک خاطره

مریم عرفانیان

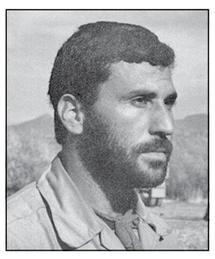

تذکر به فرمانده

اگر لازم بود حتی به فرماندهان مافوق خودش هم تذکر می‌داد و هرگز از بیان حقایق بیم نداشت.

دوستانش می‌گفتند در کردستان عده‌ای از رزمندگان خدمتشان به اتمام رسید. فرماندهٔ آنها گفته بود که قبل از بازگشت اورکت و چکمه‌هایتان را تحویل بدهید. خبر به گوش ابوالفضل رسید و با عجله خود را به محل رساند و در مورد این دستور توضیح خواست. فردی که دستور بازپس‌گیری البسه رزمندگان را داده بود از دوستان صمیمی او بود. ابوالفضل با ناراحتی گفته بود: «به چه مجوزی در این هوای سرد این بچه روستایی‌ها را خلع لباس می‌کنی؟»

این موضع‌گیری او موجب لغو دستور قبلی گردید و پوشاک رزمندگان به آنها بازگردانده شد. بعد از این قضیه ما متعجبانه می‌دیدیم در مورد رفت‌وآمد به منزل آن دوست تعلل می‌کند! گاهی ما را به آنجا می‌برد؛ ولی خودش نمی‌آمد! بعد از شهادت ابوالفضل آن دوست خانوادگی به منزل ما آمد و ساعت‌ها بر فقدان شهید گریست. می‌گفت: «ابوالفضل را دیر شناختم کاش زودتر با روحیات و شخصیت او آشنا می‌شدم و درس‌های بیشتری از او می‌گرفتم.»

*خاطره‌ای از شهید ابوالفضل رفیعی سیج

*راوی: فاطمه دهقانی فیروزآبادی، همسر شهید

ایران

تهیه و تنظیم: کامران پورعباس

بزرگ‌ترین قربانی تروریسم و مهم‌ترین حامیِ مبارزه با تروریست‌ها

سال ۱۳۶۰، سالی کم‌نظیر و استثنایی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران بود. این سال آغشته به خون شهدای بسیاری است. در این سال ترورهای منجر به شهادت و ترورهای ناکامی اتفاق افتاد که چون ترورشدگان و ترورشوندگان از میان شخصیتهای برجسته انقلابی بودند انتظار می‌رفت نهال نوپای انقلاب را فلج کند اما نتیجه ترورها برعکس شد و خواب دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی و ایادی و اذنابشان را آشفته و ذلت و شکست نصیبشان کرد.

ماجرای ترور رهبر انقلاب

ششم تیر ۱۳۶۰ ترور ناکام مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اتفاق افتاد.

خبرگزاری دانشجویان ایران«ایسنا» در ۵ تیر ۱۳۹۴ ماجرای ترور معظم‌له و وقایع پس از آن را چنین تشریح می‌نماید:

«زمانی که آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابوذر مشغول سخنرانی است، ضبط صوتی بین مردم دست به دست می‌شود تا به دست جوانی جلوی صف می‌رسد. او ضبط صوت را روی تریبون می‌گذارد و دکمه ضبط را فشار می‌دهد و می‌رود. ضبط، صدای تق‌تق می‌دهد و بلندگو سوت می‌کشد. سخنران کمی خودش را جابه‌جا می‌کند و عقب می‌کشد تا شاید سوت بلندگو قطع شود. ضبط صوت در میانه حرف‌های امام جمعه وقت تهران، منفجر می‌شود.

محافظ‌ها تا به خودشان می‌آیند، می‌بینند امام جمعه روی زمین افتاده. مصدوم را با خودروی بلیزر سفید رنگی به درمانگاهی در میدان قزوین می‌برند؛ کاری از پزشکان درمانگاه ساخته نیست، تنها کپسول اکسیژن و پرستاری را همراه خودرو می‌کنند تا به بیمارستان بهارلو بروند.

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، در بیمارستان بهارلو سریع به اتاق عمل منتقل می‌شود و پزشکانی چون دکتر محجوبی، دکتر زرگر، شیبانی و منافی برای مداوای مصدومی که دچار سوختگی، شکستگی استخوان دنده، پارگی عروق و شکستگی دست راست شده بود، گرد هم می‌آیند. بیمارستان بهارلو امکانات و امنیت لازم را ندارد، بنابراین ایشان را با هلی‌کوپتر به بیمارستان قلب می‌برند. در راه چند بار ضربان قلب، صفر می‌شود و نمایشگر، خط ممتد را نشان می‌دهد.

عمل جراحی در بیمارستان قلب، سه ساعت طول می‌کشد و بعد ایشان را به سی‌سی‌یو منتقل می‌کنند. پس از چند روز پزشکان متوجه می‌شوند دست راست از کار افتاده است.... حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیش از ۴۰ روز در بیمارستان بستری می‌مانند و بعد با آسیب دائمی دست راست، مرخص می‌شوند.»

به این ترتیب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان شهید زنده و جانباز سرافراز انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران نائل گردیدند.

پیام جانبخش و روح‌افزای امام خمینی

حضرت امام در روز هفتم تیر ۱۳۶۰ پیامی عمومی هم صادر نمودند که از رسانه‌ها پخش شد. امام در این پیام اعمال جنایتکارانه دشمنان اسلام را محکوم و سلامتی آیت‌الله خامنه‌ای را از درگاه احدیت خواستار گردیدند. تعابیر عظیمی که امام امت در این پیام درباره آیت‌الله خامنه‌ای به کار بردند به روشنی از جایگاه اعلای معظمله در قلب امام و شیفتگان و دلدادگان انقلاب اسلامی و خدمات ارزنده ایشان در سنگرهای مختلف پرده برمی‌دارد.

در این پیام آمده است: «اکنون دشمنان انقلاب با سوء قصد به شما که از سلاله رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه انقلاب می‌باشید، میزان تفکر سیاسی خود و طرفداری از خلق و مخالفت با ستمگران را به ثبت رساندند. اینان با سوء قصد به شما عواطف میلیون‌ها انسان متعهد را در سراسر کشور بلکه جهان جریحه‌دار نمودند. اینان آن قدر از بینش سیاسی بی‌نصیبند که بی‌درنگ پس از سخنان شما در مجلس و جمعه و پیشگاه ملت به این جنایات دست زدند، و به کسی سوء قصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد در گوش مسلمین جهان طنین‌انداز است.»

در پایان پیام این عبارات عظیم و پرافتخار درج گردیده است: «من به شما خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده، و از خداوند تعالی سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.»

پیام امام ساعت دو بعد از ظهر هفتم تیر پخش شد.

دکتر میلانی‌نیا رادیو را گذاشت بیخ گوش آقا. آن موقع ایشان به هوش بودند؛ روح تازه‌ای انگار در وجودشان دمید، جان گرفتند.(به نقل از: چند سکانس از یک ترور، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای)

دریای فروتنی و ولایتمداری

امام و امت یکپارچه نگران آیت‌الله خامنه‌ای بودند و سیلِ ابراز احساسات میلیونی مردم در آن برهه جاری بود.معظم‌له در برابر این همه عواطف و احساسات پاک امام و امت دریایی از فروتنی و ولایتمداری و عشق به خمینی را متجلی نمودند. ایشان در ۱۱ تیر ۱۳۶۰ در اولین مصاحبه پس از حادثه ترور فرمودند:

«هر وقت به یاد این می‌افتم که این حادثه موجب شده امام عظیم‌الشأن ما اظهار لطف کنند و در پیامشان اظهار دل‌سوزی بکنند و ملت بزرگ و قهرمان ما دست به دعا بردارند و دعا کنند، در خودم احساس شرمندگی می‌کنم. در راه انجام وظیفه، این‌گونه حوادث حوادثی نیست که این همه لطف و محبت و بزرگواری را چه از سوی امام، چه از سوی امت و همچنین از سوی کارکنان و کارمندان این واحدهای پزشکی که واقعاً شب و روزشان را در این کار گذاشته‌اند، این همه اظهار شد.»

اوج تواضع و ایثار و انقلابیگری

در خاتمه این سخنان معظم‌له با عباراتی در اوج تواضع و ایثار و انقلابیگری فرمودند: «من بدین وسیله از همین جا عرض سلام و ارادت بی‌پایان خودم را خدمت امام امت می‌کنم و به ایشان عرض می‌کنم که در مقابل حوادثی این‌چنین، ما هیچ انتظاری نداریم و توقعی نداریم که کمترین رنجشی به خاطر ایشان بنشیند.»

در ادامه فرمودند: «ما معتقدیم که «سر خمّ می‌سلامت شکند اگر سبویی».

حادثه هفتم تیر و دستاوردهای عظیم و حیرت‌انگیز آن

یک روز پس از ترور نافرجام رهبری، حادثه هفتم تیر اتفاق افتاد و انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی منجر به شهادت آیت‌الله بهشتی دبیرکل حزب و ۷۲ تن از یاران امام گردید.

دشمنان انقلاب اسلامی و جیره‌خواران پست و حقیرشان انتظار داشتند با این ترور کمر انقلاب بشکنند و کار نظام یکسره شود چرا که شهید بهشتی از استوانه‌های بزرگ نظام به همراه تعداد زیادی از مسئولان عالی‌رتبه نظام را به شهادت رسانده بودند اما نتیجه عکس گرفتند و حادثه هفتم تیر دستاوردهای عظیم و بی‌شماری در پی داشت و بطور شگفت‌انگیزی موجبات مستحکم‌تر شدن ریشه نهال نوپای انقلاب اسلامی گردید.

رهبر انقلاب تقریباً هر سال در سالگرد حادثه هفتم تیر سخنرانی داشته و این مناسبت را گرامی داشته و در مورد اهمیت و ابعاد و دستاوردهای عظیم و کم‌نظیر آن روشنگری فرموده‌اند. بعنوان نمونه ایشان در ۶ تیر ۱۳۹۴ در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران رهنمودهای مفصل و مبسوطی در این زمینه فرمودند.

معظم‌له در این دیدار برکات و دستاوردهای متعدد این حادثه را برشمرده و تشریح فرمودند. دستاوردهایی که معظم‌له در این سخنرانی ذکر نمودند عبارتند از: ملّت متّحد شد؛ مسیر انقلاب در یک مسیرِ واقعی و صحیح قرار گرفت، دشمنان ملّت افشا و رسوا شدند، مباشران و مؤیدان و دستهای پشت پرده این جنایت بزرگ در داخل و خارج از کشور افشا شدند، نشاط معنوی و ابتهاج معنوی مردم، نشان دادن قدرت و قوّت و رسوخ انقلاب در اعماق جامعه، دشمنان حساب کار خودشان را کردند و فهمیدند که با این انقلاب نمی‌شود خشن برخورد کرد چون جواب نمی‌دهد، افشاگری قدرت‌های استکباری مدّعی حقوق بشر.

سالی خونین اما نویدبخش

سال ۶۰ با همه فراز و نشیب‌ها، درگیری منافقین و بنی‌صدر با جمهوری اسلامی، موج ترورها، حادثه‌های هفتم تیر، هشتم شهریور و سختی‌های جبهه‌های جنگ رو به پایان است. ۲۸ اسفند امام‌جمعه محبوب تهران که در نتیجه این ترور ناکام ۹ ماه از نمازجمعه دور مانده بود، به محراب نمازجمعه برمی‌گردد. آیت‌الله خامنه‌ای با برشمردن سختی‌هایی که مردم و انقلاب در این سال پشت سر گذاشته‌اند، سال ۶۰ را «سال ایثارها و شهادت‌ها» و «سال خرج‌کردن ارزنده‌ترین سرمایه‌ها» و کارنامه‌ی این سال را «کارنامه‌ای خونین، سرخ‌رنگ، پردرد و پررنج؛ اما خوش‌عاقبت و نویدبخش و گرم‌کننده» معرفی می‌کند.(چه کسانی آیت‌الله خامنه‌ای را ترور کردند؟، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای)

بدون شک یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث شد جمهوری اسلامی ایران این تهدیدات بزرگ را به فرصت تبدیل نموده و موجبات استحکام هر چه بیشتر نهال انقلاب را فرهم آورد رهبری اَمام خمینی است.

امام خمینی(ره) جو به وجود آمده در اثر ترورها را به نحو احسن مدیریت نموده و با پیام‌ها و رهنمودهای جانبخش و حماسی‌شان در آن برهه شور انقلابی و روحیه شهادت‌طلبی در جامعه را شعله‌ورتر نمودند و این ترورها را به پشتوانه‌ای عظیم و بی‌بدیل برای عزت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمودند.

بکُشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود

امام خمینی در همان آغازین روزهای پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی (۱۴اردیبهشت ۱۳۵۸) فریاد برآورده بودند که: «این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند، و زنده ماندنش به این خونریزی‌هاست. بریزید خونها را؛ زندگی ما دوام پیدا می‌کند. بکُشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود.»

امام خمینی جریان اصیل انقلاب را با بهره‌گیری از هفتم تیر و حوادث مشابه آن تعیین نمودند. به فرموده امام خامنه‌ای: «امام بزرگوار جریان اصیل انقلاب را با بهره‌گیری بجا و مناسب از این حادثه [تعیین کرد]، آن مسیر را در مقابل ملّت ایران قرار داد، و راه انقلاب را - که همان اوایل داشت منحرف می‌شد و می‌خواستند آن را به شرق و غرب بچسبانند - تعیین کرد، انقلاب را نجات داد؛ این، برکت این حادثه بود.»۱۳۹۴/۰۴/۰۶

۱۷هزار شهید ترور

پس از سال ۱۳۶۰ نیز موج ترورها در سطحی گسترده ادامه یافته است. جمهوری اسلامی ایران بزرگترین قربانی تروریسم است و تا کنون هفده هزار شهید ترور تقدیم اسلام نموده است.

این ترورهای کور و ددمنشانه علیرغم خسارات جانکاه و گسترده‌شان ره‌آورد عظیمی داشته است. رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرمایند:

«۱۷ هزار شهید ترور، در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شده است. خب، این دو طرف دارد: یک طرف افشاگری نسبت به آن‌چهره‌هایی است که امروز ادّعای ضدّیت با تروریسم می‌کنند و این آینه‌ای است در مقابل ادّعای باطل آنها و نشان می‌دهد که چقدر اینها دروغگویند، چقدر اهل دغلند، چقدر خبیثند، چقدر پستند که از تروریست‌های جرّار این حمایتها را می‌کنند؛ درعین‌حال ادّعا می‌کنند که ضدّ تروریسم هستند و با تروریسم مخالفند؛ این یک طرف قضیّه است. یک طرف دیگر این است که یک ملّتی که هفده هزار شهید ترور داده است - غیراز شهدایی که در دفاع مقدّس داده - درعین‌حال مستحکم ایستاده است در خدمت انقلاب، در راه انقلاب، در مواجهه با دشمنان انقلاب. عظمت این انقلاب، عظمت این ملّت با این شهادتها ظاهر شده. این «وَ یَستَبشِرونَ بِالّذینَ لَم یَلحَقوا بِهِم مِن خَلفِهِم اَلّا خَوفٌ عَلَیهِم وَ لا هُم یَحزَنون»، بشارت است؛ بشارتی است که به ملّت ایران دارند می‌دهند؛ بشارتی است که به مسلمانها دارند می‌دهند. این معارفی است که ما در کتابها داشتیم، در ذهنها داشتیم، این شهدای عزیز ما - این فرزندان شما، همسران شما، پدران شما - در واقعیّت خارجی، اینها را مشخّص کردند، تجسّم بخشیدند، به ما نشان دادند، به نسلهای آینده نشان دادند.»

مبارزه با تروریسم تکلیف تخلف‌ناپذیر جمهوری اسلامی

سخن آخر و کوتاه سخن آنکه جمهوری اسلامی ایران بزرگترین قربانی ترور و مهم‌ترین حامی مبارزه با تروریستها بوده و هست و خواهد بود.

در پیام رهبر انقلاب به همایش بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم به تاریخ سوم تیر ۱۳۹۰ آمده است: «به عنوان ملتی که در سه دهه گذشته متحمل خسارت‌های سنگین از تروریسم خشن شده است، مبارزه با این پدیده شیطانی را تکلیفی تخلف‌ناپذیر برای خود می‌دانیم و تلاش در راه این مبارزه بزرگ را با قدرت ادامه خواهیم داد بحول الله و قوته.»